



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۲۲ مهر ۱۳۸۴ ۱۴ اکتبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

علیه فلاکت

با پرچم

منشور سرنگونی



azam_kamguyan@yahoo.com

اعظم کم گویان

جمهوری اسلامی اکثریت مردم را دچار فقر و فلاکت کرده است. این رژیم سرمایه داری ورشکسته ای است که نه راه حل اقتصادی دراز مدت و نه بهبودی موقت برای معضلات بیکاری و فقر دارد. اینکه مردم فلاکت زده اند به این معنی نیست که در جامعه ثروت وجود ندارد. ثروت هست اما این ثروت هم در دست اقلیتی در حسابهای بانکی علمای اعلام و دولتیان میلیونر اسلامی و در موقوفات انباشته شده است و هم صرف مخارج سپاه و ارتش و ولایت فقیه و دستگاه سرکوب و ذلت مردم می شود.

در مقابله با فقر و فلاکت فزاینده بسیاری از فعالین کارگران با ایجاد صندوقهای کارگری و صندوق قرض الحسنه و وام دادن وامثال آن سعی کرده اند این مشکلات را تعدیل کنند با اینحال فلاکت نه تنها تعدیل نشده بلکه رو به افزایش هم بوده است. ما بکرات گفته ایم که در

چهارچوب جمهوری اسلامی نمی توان از فقر و فلاکت خلاص شد. هیچ افق ممکن و قابل تحمیلی وجود ندارد. تا چند سال دیگر کارگر و زحمتکش باید خاتمی و احمدی نژاد را امتحان و تحمل کنند و برای حل فقر صندوق کارگری و قرض الحسنه درست کنند؟ اگر اکثریت جامعه از دستمزدهای عقب افتاده و بیکاری و بی تامنی رنج می برند باید به راه حل سیاسی روی بیاورند. راه حل فقر سیاسی است. راه نجات از فلاکت انداختن جمهوری اسلامی است. باید به میدان آمد متحد و متشکل شد و برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه کرد. این حکومت در مقابل مبارزه متشکل و خشم سازمان یافته و آگاهانه کارگران و زحمتکشان فرو می ریزد. باید به استقبال شورشهای آگاهانه مردم با پرچم روشن علیه فلاکت و علیه جمهوری اسلامی برویم.

کارگر مولد ثروت و موهبتهای جامعه است و بدون حرکت کارگر جامعه واقعا پیشروی نمی کند و متحول نمی شود. فقط قدرت کارگران متحد و متشکل است که می تواند جمهوری اسلامی را نابود کند. جمهوری اسلامی در مقابل حرکت متحد و متشکل صفحه ۳



abe.sharifi@yahoo.se

عبدالله شریفی

اند، تصور میکنند از کانال این "موهبت" سرکوب مردم و به عقب راندن جنبش سرنگونی رژیم اسلامی ممکن است. خود را به در و دیوار میزنند و مهمات جنگ و سناریوی سیاه صفحه ۲

ظهور اتمی امام زمان ، ناسیونالیسم ایرانی، مردم!

شکست دوم خرداد و سر کار آمدن احمدی نژاد، منجر به بسته شدن بسترها و باز شدن بسترهایی دیگر شد. در این راستا صف بندی و آرایش درون رژیم اسلامی و جریانات اپوزیسیون نیز تغییراتی کرد. اگرچه سرنگونی جمهوری اسلامی کماکان بستر اصلی مبارزات مردم ایران است اما مسائل مورد مناقزه در فرمات و اشکال جدیدی به صحنه رانده شده اند.

یکی از این مسائل، مساله "اتمی" است. این مساله نه تنها

عراق در گرداب کشمکش جریانات ارتجاعی

حکومت کنونی در پیشبرد آن را به نمایش گذاشت. یکشنبه گذشته ائتلاف گروه بندی "شیعه" و احزاب ناسیونالیست کرد با تغییر بندی از قانون فراندوم در "مجمع وطنی"، صراحتا رد قانون اساسی توسط مخالفان در فراندوم را غیرممکن کردند. اما با اعتراض نماینده سازمان ملل و سفیر آمریکا به این تغییر، دو روز بعد همین ائتلاف در همان مجمع به لغو مصوبه خود رای دادند! در پی این مسخره بازی "دمکراتیک" بود که نشستهای ماراتونی احزاب شریک در حکومت برای سازش با مخالفان زیر فشار خلیل زاد ادامه یافت و به تصمیم مسخره تر روز چهارشنبه انجامید. صفحه ۳

ناسیونالیست عرب است که چند روز پیشتر مخالفت قطعی خود با متن فعلی و تصمیم خود به تلاش برای رد آن در فراندوم را اعلام کرده بودند. تصمیم روز چهارشنبه قبل از هر چیز نشان دهنده پوچی فراندوم شنبه است: قانونی که قرار است بندهای کلیدی آن تغییر کند چرا باید تصویب برسد؟ این دور باطل برای چیست و تا کی باید جامعه در گرداب کشمکش این جریانات ارتجاعی به نابودی کشانده شود؟

کشمکش گروه بندیهای اسلامی و قومی در روزهای اخیر بار دیگر پوچی و مسخره بودن ترتیبات معروف به "پروسه دمکراسی" در عراق و شکست



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

جریانات حاکم بر عراق پس از ماهها کشاکش بر سر "قانون اساسی"، سرانجام زیر فشار زالمای خلیل زاد سفیر آمریکا چهارشنبه ۱۲ اکتبر، سه روز مانده به "فراندوم"، قبول کردند که بخشهایی از آن "قانون" را به دنبال انتخابات ماه دسامبر تغییر دهند. این بخاطر راضی کردن جریانات

غضب خدای آسمانها،

قهر خدایگان زمین

صحنه های فجایع "طبیعی" نامربوط اند. دلخراش و شکنجه آوراند. سونامی و کاترینا و زلزله در سواحل تایلند و اندونزی و آمریکا و ایران و پاکستان و هند، ظرف مدت کوتاهی هزاران هزار انسان را زیر آوارها مدفون کرد. و ظاهرا این اتفاقات از سوانح "طبیعت" اند و گاه نشانه پیامی از قادر متعال برای تنبیه بندگان گناهکار. گویا سیاست و طبقه و حاکمیت و قوانین و حتی مردم در این میان خنثی و

اما برای یک لحظه تصور کنید که در جای سازمان ملل، مجمع نماینده شهروندان و ساکنین کره زمین نشسته بودند، برای لحظه ای تصور کنید از دولتها و طبقات و از شکاف عظیم طبقاتی و اجتماعی بین ساکنین کره زمین خبری نیست و مقوله ای به نام ملت و ملیت و قومیت و مرزهای کشوری، و "هر ملت و قوم، فرهنگ و ارزشهای ویژه



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

و منحصر بفرد خود را دارد" مبنای قانون و حاکمیت و سیاست نیست. برای لحظه ای صفحه ۳

کمیته پیگیری در مقابل یک انتخاب!

از صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

کارگران و عزم راسخ رهبران کارگری می باشد. طی سالهای

اخیر در عین اینکه ما شاهد اعتراضات و مبارزه کارگران هستیم اما متأسفانه بخشهای اصلی طبقه کارگر یعنی صنایع نفت و آب و برق به میدان نیامده اند عمدتاً ساکت هستند و اعتراض و تحرکی از خود نشان نمی دهند. اتکا کردن به صندوقهای کارگری و چنین راه حل‌هایی و محافظه کاری و ساکت نشستن و تحمل کردن خاتمی و احمدی نژاد راه بجایی نمی برد فقط بدبختی و فلاکت و بی

حقوقی را تداوم می دهد. اگر راهی برای حل فلاکت هست جز این نیست که رهبران کارگری وسیعترین توده های کارگر را برای انداختن جمهوری اسلامی به میدان بیاورند. جای مانوری باقی نمانده و نمی توان هشت سال دیگر جمهوری اسلامی را تحمل کرد. رهبران کارگری باید با تمام قدرت توده های کارگر پشت سرشان برای انداختن جمهوری فقر و فلاکت سیاه اسلامی وارد صحنه سیاست بشوند.

حزب حکمتیست منشور سرنگونی جمهوری اسلامی را

اعلام کرده است که می تواند و می باید پرچم مبارزه حاد و آگاهانه مردم علیه فقر و فلاکت و برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. در منشور سرنگونی ما خواهان سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دار و دسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و درائی های این ارگانها و نهادها مصادره کلیه اموال موقوفات، مساجد،

تکایا، مقابر و مدارس و انجمن های اسلامی شده ایم. رهبران کارگری با چنین پرچمی قادر خواهند بود مردم را برای شورش آگاهانه و سازمان یافته علیه فقر و فلاکت به میدان بیاورند. ما تلاش می کنیم مردم بخواهند برای خواسته های این منشور مبارزه کنند و نگذارند خودشان و فرزندانشان در فقر و بی حقوقی بمانند. تنها راه نجات این است که رهبران کارگری بیرون بیایند یا به میدان نبرد با جمهوری اسلامی بگذارند. دیگر نمی توان این وضعیت را تحمل کرد.

مخرب و آن روی سکه، خاک به چشم مردم پاشیدن، مدح و ثنای دموکراسی کروز بوش و بلر در سالیان متمادی است. سر انجام این مسله چه به محاصره اقتصادی و یا به نظامی کردن فضای جامعه منجر شود، مردم ایران قربانیان دست اول این جنایات خواهند بود.

قادر به حمله نظامی به ایران هم نباشد، می تواند در نظامی کردن اوضاع، در تشنجات نظامی، تأثیر فوق العاده مخربی بگذارد. جمهوری اسلامی هم یں وضعیت را با جان و دل میخرد تا به فضای نظامی دامن بزند.

در این میان ناسیونالیسم ایرانی که خود سال ها به امید عراقیزه کردن ایران به کمین نشست است، اکنون با رویای تحویل گرفتن "ایران اتمی" شکر در دلش آب شده است. رژیم اسلامی نه تنها ظهور امام زمانش را در این قدر قدرتی نظامی خود می بیند بلکه با "ملی" اعلام کردن پروژه اتمی، دارد بخشی از ناسیونالیسم ایرانی را مقهور و مجذوب خود میکند. بهمین دلیل است که داریوش همایون در آخرین نوشته اش تحت عنوان "یک کشور، یک ملت" چنین نوشته است:

"... ما از همیشه بیشتر می باید در برابر هر حمله ای به خاک ایران ایستادگی کنیم و جای تردید نگذاریم که در چنان صورتی در پشت همین حکومتی که به خون ما تشنه است خواهیم ایستاد..."

امروز بخشهای دیگری از همین طیف دارند تصویری موعوب کننده از رژیم اسلامی به مردم میدهند، میگویند رژیم قوی شده است، یکدست شده است، و دارد این دوران را پشت سر میگذارد!! این همان نقش

و حتی هواداران عراقیزه کردن ایران نیز عیان است. آمریکا خود بمب اتمی دارد، اولین کشوری است که بمب اتمی را علیه مردم بیدفاع و بیگناه در هیروشیما و ناگازاکی بکار گرفته است. دول ضد بشری مسلح به سلاح اتمی را زبر پر و بال خود دارد. قباحات این دروغ بار دیگر در جنگ علیه مردم عراق، تجربه شده است.

برای روشن شدن قضیه، باید از منافع مردم به این پدیده نگریست. با کمی فاصله گرفتن از این پروپاگاندا جنگی جاری متوجه میشویم که این کشمکش بر متن تخصصات و تناقضات جدی تر و جهانی تر که یک پایش در عراق و پای دیگرش در فلسطین و اسرائیل است، ربط پیدا میکند. نه آمریکا و نه حتی سیاست ملایم تر هواداران غنی سازی اورانیوم در ایران، ذره ای از واقعیت این کشمکش را بیان نمیکنند.

اتفاقا هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی ایران دو سر ماجرای جویی علیه مردم ایران و جامعه بشری هستند. هردو طرف این منازعه ظرفیت ماجراجویی علیه مردم را دارند و مردم این را تجربه کرده اند. این آن وضعیت هشدار دهنده ای است که مردم باید متوجه آن باشند. آمریکا در باطلاق عراق گیر کرده است، برای تسلط و مهار اسلام سیاسی به هر خاشاکی چنگ خواهد زد. محور سیاست دولت بوش میلیتاریسم است و اگر حتی

از صفحه ۱

آماده می کنند و حتی "ظهور" امام زمان را هم، بر کلاهک های بمب های اتمی تبلیغ میکنند.

این مسله در میان جناحها و دسته های دیگر شریک در حاکمیت "مقول" به نظر نماید و علیه شعار گویی و حزب الله بازی دارودسته احمدی نژاد، طرح دیپلماسی فعال حول این قضیه در ایران و دخالت بیشتر در عراق و خاومیسانه را قرار میدهند. بازی دادن رفسانی در طرح کنترل دولت و مجلس توسط شورای مصلحت و سر برآوردن احتمالی مهره های دیگر مانند خاتمی و غیره قبل از هر چیز وخامت و تناقضات و مشکلات جدی سران رژیم، به سر و کله هم زدن ها را در این نمایش، برملا میکند.

از طرفی دیگر میگویند که آمریکا در مخالفت با سیر محتمل مجهز شدن جمهوری اسلامی به سلاح های اتمی ایران، وارد معرکه شده است... رژیم جنایتکار اسلامی تاکنون دهها هزار نفر را قربانی آدمکشی خود کرده است، بقا خود رژیم اسلامی خود سر پانگه داشتن بزرگترین سلاح کشتار جمعی است که تاکنون مورد حمایت بی دریغ همقطاران دولت بوش میباشد! قطعاً جهان با اسلام سیاسی مجهز به سلاح اتمی تیره تر میباشد اما این ادعای دروغین، امروز بر همگان

حقوقی محض سنگرهای دفاع از خود را نگه داشته اند. اگر چه ژست حزب الله چرخانی و قمه کشی لمین اسلامها کمی تیز شده است اما با اولین تعرض مردم از عر و تیز خواهند افتاد و بسرعت عقب خواهند نشست. این ظاهر گمراه کننده که به خورد مردم داده میشود، بخشی از جنگ سیاسی و روانی علیه مردم و برای جلوگیری از انداختن رژیم اسلامی است.

مردم نباید مرعوب اینها بشوند. برای مردم تنها یک راه باقیمانده است: سرنگونی رژیم اسلامی، توسط خود و با دستشان خود. مردم با سرنگون کردن کامل رژیم اسلامی، با مصادره داریی های ارگانهای سرکوبگر، با انحلال ارتش و سپاه، با دستگیری سران رژیم، با بستن نهادهای تولید خرافه و جهالت، نه تنها از شر حاکمیت اسلامی خلاص خواهند شد، بلکه هر گونه سناریوی قومی و مذهبی و نظامی را بر سرنوشت خود غیر ممکن خواهند کرد.

برای این امر خطیر باید منشور سرنگونی رژیم اعلام شده از حزب ما، حزب حکمتیست را پرچم مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی قرار داد.

www.marxhekmatsociety.com

www.koorosh-modaresi.com

hekmat.public-archive.net

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



از صفحه ۱

این تلاشی است برای نجات "پروسه" شکست خورده موسوم به "دمکراسی" که خودشان هم میدانند بجای نخواهد رسید و در واقع جز کش دادن حاکمیت ارتجاعی تحمیلی شان بر مردم عراق مضمون دیگری ندارد. دولت طالبانی - جعفری طی ده ماه گذشته نه تنها نتوانست راهی برای خروج از اوضاع ناامنی و پر فلاکت جامعه نشان دهد بلکه با کشمکشهای درون خود حکومت، با فساد فراگیران و با

گسترش حاکمیت مافیائی و میلیشیائی بر حیات روزمره مردم عملاً بروخامت اوضاع افزوده است. اختلافات احزاب ناسیونالیست کرد با جعفری و ائتلاف پشت سر او و سازش آنها بخاطر جلوگیری از سقوط زودرس حکومت، تنها یک نمونه اخیر دهان باز کردن تناقضات موجود در ترتیبات حکومتی است. "قانون اساسی" مورد نزع که قرار است در فرآیند ۱۵ اکتبر تعیین تکلیف شود، کوچکترین ربطی به سرنوشت

سیاسی جامعه ندارد. این سند جز یک آتش بس موقت میان دارودسته های متنازع شریک در حاکمیت نیست که با هر تغییری در توازن قوا زیر پا گذاشته میشود. از هم اکنون روشن است که چه این "قانون اساسی" از بل فرارندم بگذرد و چه توسط مخالفان رد شود، اوضاع سیاسی عراق در روز بعد از فرارندم پر تناقض تر، گسیخته تر و انفجار آمیزتر خواهد شد.

سیاسی جامعه ندارد. این سند جز یک آتش بس موقت میان دارودسته های متنازع شریک در حاکمیت نیست که با هر تغییری در توازن قوا زیر پا گذاشته میشود. از هم اکنون روشن است که چه این "قانون اساسی" از بل فرارندم بگذرد و چه توسط مخالفان رد شود، اوضاع سیاسی عراق در روز بعد از فرارندم پر تناقض تر، گسیخته تر و انفجار آمیزتر خواهد شد.

عراق زیر پرچم آزادی و سکولاریسم و با هدف آزادی عراق از اشغال آمریکا و انگلیس و کوتاه کردن دست این جریانات ارتجاعی اسلامی و قومی است که جامعه عراق میتواند از بن بست کنونی و دایره باطل سناریوی حاکم بر آن خارج شود. موفقیت چنین الترناتیوی در گرو تلاش کمونیستها و نیروهای سکولار و آزادخواه است.



از صفحه ۱

فکر کنید که امکانات وسیع و حاصل تلاش این میلیاردها انسان صرف حفظ و نگهداری دستگاههای عریض و طویل بوروکراتیک و سیستم های پیچیده و پر خرج نظامی و امنیتی نمیشود، برای لحظه ای فکر کنید که کلیسا و اسلام و هر دین و مذهب و فرقه سکتی از دخالت در حاکمیت و قانون و دخالت در قانونگذاری کنار زده شده اند، برای لحظه ای تصور کنید که موجی برای لشکر کشی و جنگهای ویران کننده ای که منابع ساکنین کره خاکی را برای زیر آوار بردن مردم هر گوشه ای از دنیا که خادمین حرم سرمایه در تراز سود و زیان شرکتهای تولید کننده زرادخانه های کشتار انسانها "بودجه بندی" میکنند، وجود نداشت. و نگاهی بکنید به زندگی مردم در برخی گوشه های دنیا در ۸۰ سال پیش و ببینید چگونه امروز شهروندان از قربانیان ناتوان فجایع طبیعی و فقر و قحطی زدگی به جای دیگری رسیده اند.

پوشاک به حکم قانون و نظارت نگهبانی دولتها و دستگاههای فکری و فیزیکی شکنجه و شستشوی مغزی، "صاحب" و "مالک" دارند، دولتهائی هستند که سرمایه داران عزیز باید چنان کمکهائی را تصویب کنند و در حساب "بودجه" و سود و مالیات شرکتهای خود منظور کنند، باید محلهای جبران این "کمکها" و احسانها در حسابهای تراز سود و زیان تعیین شده باشند، تا هیچ دست اندازی به حریم مقدس سود و خدای پول و سرمایه انجام نشده باشد. زلزله آمده است سونامی آمده است یا طوفان کاترین در گرفته باشد، خدای سرمایه، کدها و مقررات و نظم و نسق خود را دارد! در نتیجه در وقوع هر سانحه طبیعی ما را به سیر دنیای قانون و مقررات خود میبرند و به ما میگویند باید این فجایع را چون متن هراس آور هر روزه بردگی مزدی خود، "طبیعی" بدانیم و خود را به آنها عادت دهیم و مناسصل و ناتوان با سرنوشت مقدر خود کنار بیاییم. میدانیم اگر دنیا دست ما بود، قاعده زندگی و رفتار با مصیبتهای ظاهرا طبیعت طور دیگری بود. ایدئولوژی و سیاست و فرهنگ حاکم بر مناسبات جامعه بشری تصویری غیر از تصویر رسمی را متنوع و ذهنی و غیر واقعی و مغایر با "ذات" بشر که به زعم آنها تلاش برای سود و حفظ مناسبات مالکیت است، میداند. بالاخره آنجا ایران است و "حکومت و فرهنگ خودشان" را دارند و اینجا پاکستان و تایلند و آمریکا با ویزگیهای "ملی" و میراثی هویتی و تاریخی خاص خود، نمیشود! مجال است و غیر ممکن، باید در برخی گوشه ها حکومتهای استبدادی باشند که تلاش انسان برای رفاه و آزادی را منکوب کنند. فقر و کار ارزان و مفت و سرپناههای فاقد ابتدائی ترین امکانات حفاظتی و ایمنی

بخش مکمل وجود دولتهای ملی و مذهبی و دستگاههای عریض و طویل بوروکراتیک و نظامی و ارتشی و امنیتی برای سود آوری سرمایه است. اینها در "فرهنگ" میراثی خود ویژه هر ملت و قوم و دین و شعایب نهادینه و در خون تک تک شهروند منتسب به "ملل" و "امم" جاری است! احترام به حریم مالکیت خصوصی و "شرعیت" سود و استثمار انسان از انسان، قرنهاست که از جانب خداوند آسمانها نیز به پیغمبرانش و به بندگانش در زمین وحی شده است. به تعبیر بیان رسمی مدافعین نظم کنونی، اینها فلسفه نهانی بشر و قدر و منزلت تلاش فرد برای سرمایه دار شدن و ثروتمند شدن و جستجوی سود هر چه بالاتر است. اینها "انگیزه" حرکت جامعه اند، بدون آنها جامعه از حرکت باز میماند! این خدا و بت غضنک و بیرحم زمینی است که نه اتفاقی و اداری، که هر روز و هر ثانیه کابوس ویرانی زندگی و هر امید به فرای مطمئن را رهبری و "ارشاد" میکند. احترام به حق مقدس مالکیت و سود و بردگی و طوق حاکمیت سرمایه و دولتهای الوان سرمایه داران و نسبیتهای و تثلیث فرهنگی این خدایگانها بر تارک جهان ما حک شده است. اینها آیات زمینی خدای عزوجل دنیای ما هستند. غربت ما بندگان و بردگان سرمایه و سود و پول از این دین و آئین زمینی، مزید کفر و شرک است و طاعتش موجب قرب!!

بشر میتواند چون تنی واحد در برابر غضب طبیعت بایستد اگر بشود به مانی حکمروانی خشم و غضب نظام سرمایه داری و پایه های استثمار کار مزدی که فقر و ناتوانی و بی حفاظی و بی مسکنی و استیصال بشر را هر ثانیه و دقیقه باز تولید میکند، تعرض کند. زلزله ها و سونامیها و کاترینهای خوفناک تری که در جوهر و ذات نظام استثمار کار مزدی در کابوسهای هر روزه میلیاردها انسان امنیت و آسایش و اعتماد روحی و روانی احاد بشر را در سراسر کره زمین به مخاطره انداخته اند، با هر فاجعه وحشتناک طبیعی، چهره به مراتب خوفناکتر خود را کماکان حتی در غیاب هر سانحه طبیعی بر فراز سر ما گرفته است. میگویند بسیاری از سوانح طبیعی و "آسمانی" و "الهی" را نمیشود پیش بینی کرد، اما زندگی ما میلیاردها انسان از قرنها پیش در دل فاجعه ای زمینی و هر روزه، به نام نظام مبتنی بر استثمار کار مزدی جریان داشته است. اگر با اراده خویش این غضب و قهر و این نظام بیرحم و ضد انسانی را مهار کنیم، اگر به جایی برسیم که کار ما و شرکت ما در تولید نعمات و محصولات، سود و سرمایه و قدرت سرمایه داران و دولتهای سربار و طفیلی و مستبد حافظ این نظام را قدرتمندتر و قهارتر نکند، رسیدن به داد قربانیان سوانح طبیعی از اراده ما بر می آید. آن هزاران هزار نفری که زیر آوار رفتند، در دنیای ما انسانها و شهروندان برابری طلب، در جهان عاری از استثمار و بردگی برای سود و ارزش و ارزش اضافه،

میتوانستند اکنون زنده بمانند. از قهر و غضب خدای آسمانها، در برابر اراده ما برای بزیر کشیدن سلطه خدایگان زمینی سود و پول و سلاطین و خلفای بردگی مزدی، کاری ساخته نخواهد بود.

دومین شماره حکمت به سردبیری کوروش مدرسی منتشر شد



زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی



khalehdaji@yahoo.se
خالد حاج محمدی

کمیته پیگیری در مقابل یک انتخاب!

جنبش کارگری همیشه شاهد تلاشهایی برای اتحاد و تشکیل یابی کارگران از جانب فعالین و رهبران کارگری مختلف بوده است. تا کنون و در دهه های اخیر به کرات انواع تشکلات، جمعاعات و کانونها و جمعها و محافل مختلف با نیت متشکل کردن کارگران و اتحاد آنان و گذاشتن دست کارگران در دست همدیگر و برای تغییری در زندگی فلاکت بار این طبقه صورت گرفته است. تحرکات اخیر در میان فعالین کارگری و ایجاد کمیته پیگیری نیز یکی از این نمونه هاست. ایجاد این کمیته و یا نهاد کارگری با هر اشکالی که از بدو تشکیل تا کنون داشته، تلاشی مثبت در ادامه تلاشهای مثبت دیگر در جنبش کارگری بوده است.

میگیرد، حق تشکل و اعتصاب به کارگر داده نمیشود، قرار دادهای موقت و بیکاری، دستمز ناچیزی که تازه آنهم پرداخت نمیشود، نبود بیمه بیکاری مکفی و دهها معضل دیگر در مقابل طبقه کارگر قرار گرفته است، و همزمان در فضایی که به یمن مبارزات مردم ایجاد شده و هر روز در گوشه ای شاهد اعتراضات کارگری و مردم هستیم، دیگر نمیشود به این دلخوش کرد. تب و تاب و خوشبینی که در شروع کار این کمیته در میان بخشی از فعالین کارگری ایجاد شد بود با گذشت این مدت زمان و عدم دخالت و تحرک جدی کمیته پیگیری عملاً باقی نیست. در همین پروسه بخشی از دوستان (انجمن فرهنگی حمایتی کارگران) طی اطلاعیه ای از کمیته پیگیری کناره گیری کردند. این ماجرا نشانگر حقایقی است که نمیشود خیال خود را راحت کرد و از سر آن گذشت. من شخصا از این اتفاق متاسفم و همزمان خود واقعه برابم جدی است. سوالی بالای سر این کمیته قرار دارد و آن اینکه آیا این کمیته میتواند با این سبک و شیوه راه به جایی ببرد؟ جواب من متاسفانه منفی است و ادامه این وضع کل کمیته پیگیری را در مخاطره قرار میدهد.

روزی جمعی با هدف تلاش برای ایجاد تشکل کارگری دور هم جمع شدند و با گذشت زمان معینی از تشکل کارگری و تلاشی عملی و جدی در این خصوص خبری نیست و کم کم تشکل دهندگان اولیه آن هم دارند پخش میشوند. این خطر واقعی است و باید با چشمان باز آن را دید و برسمیت شناخت و برایش راه چاره یافت. اما حل این مشکل قبل از هر چیز در گرو این است که این رفقا بخواهند این حقایق را ببینند و سد راه پیشروی را بدون تعصب کنار بگذارند. در غیر این صورت متاسفانه کمیته پیگیری حاشیه ای تر از آن خواهد شد و راه به جایی نخواهد برد. این شرط اول ایجاد هر تغییری مثبت در کار این نهاد است.

آیا مشکل و جود گرایشات مختلف در کمیته پیگیری است؟

ممکن است این بحث طرح شود که بدلیل گرایشات مختلف در

این است که آیا دوستانی که در این کمیته جمع شده اند حاضرند زمینی تر و اجتماعی تر و از زاویه منافع کارگر و امری که این کمیته در بدو تشکیل در مقابل خود را تعیین کنند و حرکت خود را تغییر دهند؟ این اتفاقا یکی از آن تکانهای جدی است که این کمیته اگر بخواهد قدم به جلو بردارد و نقشی جدی ایفا کند و بماند، باید به خود بدهد. در غیر این صورت این کمیته همچنانکه گفتم حتی اگر بماند که نخواهد ماند، نامی بیش نیست.

مشکل کمیته کدامست و راه حل چیست؟

کمیته پیگیری به دلایل مختلف و از جمله فاکتوری که در بالا به آن اشاره کردم، عملاً کمتر بعنوان جریانی در زندگی و مبارزه کارگر موثر بوده است. با هر تلاشی که فعالین این کمیته و دوستان متشکل در آن پیش برده باشند، و با احترام به تمام تلاشهای آنها، کمیته پیگیری هنوز به مبارزه کارگر و اعتراض روزانه آن چفت نیست و باز با فرقه گرایی که سد راهش شده شکل کنونی حتی نمیتواند مشغله اش هم باشد. احساس نمیشود که مشغله و مباحثات این دوستان و اختلافاتشان و مجامع عمومی که تا کنون داشته اند در این جهت و در جواب به این نیاز است. اطلاعیه دادن و اعلام موضع کردن بر سر

دستمزد و قرارداد دست جمعی و دفاع از فلان حرکت کارگری کار خوبی است اما این نشد آن کاری که کمیته پیگیری برای انجامش تشکیل شد. نمیتوان این را جای دخالت عملی و چفت شدن با چهار مرکز کارگری و ایجاد شورای فلان کارخانه یا سندیکا و اتحادیه و هر نوع تشکلی گذاشت. یک ضرورت حیاطی و یک نیاز امروز کارگر و مبارزه کارگران ایجاد همبستگی کارگری و تشکلیابی کارگر از هر نوعش در دل مبارزات موجود میباشد. فعال کارگری که در این کمیته جمع شده است قاعدتاً باید فعال مجامع عمومی، شورا و سندیکای کارگری در محیط کار خود باشد. کمیته پیگیری میتواند بعنوان ظرفی دست فعالین کارگری در مراکز مختلف را در دست هم بگذارد و آنها را بهم وصل کند. میتوانست چتری باشد که در شرایط اختلاف حاکم و پراکندگی اعتراض و مبارزه کارگر، شبکه

ای از فعالین و رهبران کارگری را به هم وصل کند و از این کانال دردی از کارگر دوا کند. هر روز در گوشه و کنار این مملکت اتفاقاتی می افتد، هر روز بر سر عدم پرداخت دستمزد و اخراج و هزار مشکل دیگر اعتراض و مبارزه کارگر هر چند پراکنده در جریان است. اما نتایج جلسات و مباحثات کمیته پیگیری قرار و تصمیم برای دخالت در اینها نیست. نقشی در دل این حرکات برای وصل کردن و تشکل و خواست و اعتراض کارگر در متن شرایط موجود نیست. اگر کمیته پیگیری این خاصیت را به خود نگیرد دیگر معلوم نیست چرا باید فعال کارگری و کسی که میخواهد دردی از کارگر و زندگی دوا کند در این کمیته جمع شود و وقت و انرژی خود را صرف کند.

در خاتمه بسیار مختصر بگویم که فعالین کارگری که در این کمیته جمع شده اند در مقابل یک انتخاب قرار گرفته اند. یا این کمیته و فعالین آن میتوانند و تصمیم میگیرند که بدور از هر نوع تعصبی با چشمان باز به این حقایق نگاه خواهند کرد و اجازه نخواهند داد این کمیته و فعالینهای آن به مسائل بیربط و تصفیه حسابهای حاشیه ای هدر رود و بطور جدی با آن رمز میکشند، یا راستش از این کمیته پیگیری جز بر کاغذ باقی نخواهد ماند.

فعالین این کمیته یک بار دیگر باید این سوال را در مقابل خود بگذارند که امر کمیته در بدو تشکیل آن چه بود و در این مدت چه اندازه به آن نزدیک شده اند. مواعی که من نیز به سهم خود تلاش کردم به آنها اشاره کنم را با چشمان باز نگاه خواهند کرد، به رسمیت خواهند شناخت و دامن خود را از آن خلاص خواهند کرد. یک بازبینی جدی به سیری که طی کرده اند خواهند داشت و بدون هیچ تعصبی از تمام منافع کوچک، مقطعی و سکناریستی کنده خواهند شد و امر مبارزه کارگر و اتحاد و تأثیری در زندگی این طبقه را در مقابل خود خواهند گذاشت. یا همچنانکه گفتم به شیوه کنونی این کمیته حتی اگر بماند نامی بیش بر کاغذ نخواهد بود.

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!